بسم الله الرحمن الرحیم

21/۰۹/95 اصول عملیه - برائت - ادله احتیاط اخباری ها - آیات دال بر احتیاط

ادله احتیاط

از این جلسه بحث از ادله احتیاط آغار می شود. به سه وجه و روش بر لزوم احتیاط استدلال شده است. برخی از آیات و روایات و هم چنین حکم عقل، مستمسک احتیاط قرار گرفته اند. ابتدا آیات بیان و دلالت آنها بررسی می شود.

**لا تلقوا بایدیکم الی التهلکه**

اولین آیه ای که برای لزوم احتیاط به آن استدلال شده آیه 195 سوره بقره است.

وَ أَنفِقُواْ فیِ سَبِیلِ اللَّهِ وَ لَا تُلْقُواْ بِأَیْدِیکُمْ إِلیَ التهَّْلُکَةِ وَ أَحْسِنُواْ إِنَّ اللَّهَ یحُِبُّ الْمُحْسِنِینَ.

**تقریب استدلال**

آیه دال بر حرمت القای نفس در هلاکت است و با عدم احتیاط امکان دارد، شخص به محرّم واقعی مبتلا شده و ابتلا به محرم واقعی هلاکت است. پس برای جلوگیری از هلاکت باید احتیاط کرد.

**اشکال شهید صدر به استدلال به آیه**

شهید صدر بحث مفصلی در مفاد آیه دارد که ما حصل آن این است: مراد از «لا تلقوا بایدیکم الی التهلکه»، یا القای فردی است یا القای مجتمع و اراده هر دو معنا امکان ندارد زیرا دو لحاظ متفاوت است و اطلاق نمی تواند دال بر آن باشد. اطلاق بعد از تعیین لحاظ است و اطلاق دال بر اراده تمام لحاظات محتمله نیست و خود اطلاق نمی تواند لحاظ در آیه را تعیین کند.

اگر در آیه لحاظ مجتمع شده باشد، ناظر به نفس جهاد یا محدوده جهاد است به این معنا که با ترک جهاد یا انجام جهاد بدون عِدّه و عُدّه، خود را در هلاکت نیاندازید. مطابق این معنا، مفاد ارتباطی به بحث شبهات حکمیه و احتیاط ندارد.

اگر مراد القای تک تک افراد در تهلکه است، باید در رتبه سابق تهلکه وجود داشته باشد تا آیه دال بر نهی و حرمت وقوع در تهلکه باشد. پس قبل از آیه باید منجزی بر واقع وجود داشته باشد که ترک آن موجب وقوع در تهلکه باشد و آیه نمی تواند منجز تهلکه باشد. [[1]](#footnote-1)

بهتر است این آیه و آیات سابق و لاحق این آیه، با هم ملاحظه شود تا سیاق این آیه روشن شده و بهتر بتوان درباره مفاد آن سخن گفت. در بررسی آیات کامل خواندن آیه لازم و ضروری است.

**حجیت سیاق آیات قرآن**

گاه این اشکال شده است که چون ترتیب و چینش آیات به واسطه معصوم ع صورت نگرفته است، سیاق آیات حجیت ندارند. اما جدای از این بحث که چه کسی قرآن را جمع کرده و چینش کرده است، امر به عمل به قرآن در روایت ائمه معصومین ع دال بر حجیت قرآن به چینش موجود است، هر چند قرآن به واسطه غیر پیامبر ص تنظیم شده باشد، پس این هیئت مجموعی حجت است و لازم نیست اثبات شود، تنظیم به واسطه خداوند یا پیامبر ص بوده است و تقریر و تأیید ائمه معصومین ع دال بر حجیت استدلال به آیات قرآنی و حتی تمسک به سیاقات قرآن است.

 بله در برخی از روایات اشاره شده است گاه صدر و ذیل آیه با هم متفاوت است و به همین سبب برای فهم ظهور آیه نباید به سیاق آیات اکتفا کرد و علاوه بر سیاق، شأن نزول آیات که به طریق معتبر وارد شده است نیز باید برای معنا کردن آیه مدّ نظر باشد. پس برای تعیین ظهور آیه باید تمام ملاک های تأثیر گذار و حتی شأن نزولی که به طریق معتبر وارد شده است، در نظر گرفته شود.

البته در بحث اهمیتی ندارد که ما مدلول آیات را از باب حکم واقعی حجت بدانیم یا قائل به حجیت آن از باب حکم ظاهری و تا زمان حضرت حجت ع باشیم. زیرا آنچه مهم است، حجیت آیات قرآن برای ماست و این با تأیید معصومین ع اثبات می شود.

**آیات سابق بر آیه مورد بحث**

یَسَْلُونَکَ عَنِ الْأَهِلَّةِ قُلْ هِیَ مَوَاقِیتُ لِلنَّاسِ وَ الْحَجّ‏ِ وَ لَیْسَ الْبرُِّ بِأَن تَأْتُواْ الْبُیُوتَ مِن ظُهُورِهَا وَ لَاکِنَّ الْبرَِّ مَنِ اتَّقَی‏ وَ أْتُواْ الْبُیُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَ اتَّقُواْ اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ(189)

وَ قَاتِلُواْ فیِ سَبِیلِ اللَّهِ الَّذِینَ یُقَاتِلُونَکُمْ وَ لَا تَعْتَدُواْ إِنَّ اللَّهَ لَا یُحِبُّ الْمُعْتَدِینَ(190)

وَ اقْتُلُوهُمْ حَیْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَ أَخْرِجُوهُم مِّنْ حَیْثُ أَخْرَجُوکُمْ وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَ لَا تُقَاتِلُوهُمْ عِندَ المَْسْجِدِ الحَْرَامِ حَتیَ‏ یُقَاتِلُوکُمْ فِیهِ فَإِن قَاتَلُوکُمْ فَاقْتُلُوهُمْ کَذَالِکَ جَزَاءُ الْکَافِرِینَ(191)

فَإِنِ انتهََوْاْ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِیمٌ(192)

وَ قَاتِلُوهُمْ حَتیَ‏ لَا تَکُونَ فِتْنَةٌ وَ یَکُونَ الدِّینُ لِلَّهِ فَإِنِ انتهََوْاْ فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلیَ الظَّالِمِینَ(193)

الشهَّْرُ الحَْرَامُ بِالشهَّْرِ الحَْرَامِ وَ الحُْرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَی‏ عَلَیْکُمْ فَاعْتَدُواْ عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَی‏ عَلَیْکُمْ وَ اتَّقُواْ اللَّهَ وَ اعْلَمُواْ أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِینَ(194)

وَ أَنفِقُواْ فیِ سَبِیلِ اللَّهِ وَ لَا تُلْقُواْ بِأَیْدِیکُمْ إِلیَ التهَّْلُکَةِ وَ أَحْسِنُواْ إِنَّ اللَّهَ یحُِبُّ الْمُحْسِنِینَ(195)

وَ أَتِمُّو الحجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّهِ ....

در آیه 189 اشاره می کند که باید از در وارد خانه خدا شد و شاید اشاره به امری کلی داشته باشد که کارها باید از طریق متداول و صحیح انجام شود.

آیات 190 تا 194 درباره جهاد و محدوده آن است. این که اصل جهاد لازم است ولی جهاد نباید با عدوان و تعدی حرام باشد. جهاد در مسجد الحرام و شهر الحرام جایز نیست. قتال تا زمانی است که فتنه وجود دارد و کافران فتنه انگیزی می کنند ولی اگر از فتنه انگیزی دست برداشتند قتال تمام می شود. این آیات محدوده جهاد، زمان جهاد، مکان جهاد، کیفیت جهاد و منتهی الیه جهاد را بیان می کنند.

از آیه 196 درباره حج و احکام آن سخن گفته شده است.

**محتملات در معنای لا تلقوا بایدیکم الی التهلکه**

مرحوم طبرسی در مجمع البیان چهار احتمال برای معنای «لا تلقوا بایدیکم الی التهلکه» بیان کرده است:

1. با امتناع از انفاق فی سبیل الله خود را هلاکت نیاندازید.

2. با یأس از مغفرت گناه را ادامه ندهید.

3. جنگ و جهاد بدون عِدّه و عَدّه انجام ندهید و وارد جنگی نشوید که از ابتدا به شکست آن علم دارید.

4. در انفاق حدّ نگه دارید و تمام اموال خود را انفاق نکنید.

مرحوم طبرسی بعد از بیان محتملات در معنای آیه، اولی را شمول آیه نسبت به تمام این موارد دانسته و آیه را دال بر تمام مواردی دانسته است که فعل یا ترک آنها موجب هلاکت است. [[2]](#footnote-2)

از بین احتمالات مطرح شده در کلام مرحوم طبرسی، احتمال دوم ابعد الاحتمالات است.

احتمال پنجمی در کلام شهید صدر وارد شده بود که احتمال دارد آیه درباره آن باشد که با ترک جهاد خود را به هلاکت نیاندازید. اما این احتمال، احتمالی بعید است که حتی در مجمع البیان نیز ذکر نشده است و مخالف سیاق آیات است. زیرا این آیه مستقیما درباره جهاد نیست و مترتب بر «و انفقوا فی سبیل الله» است و اگر انفقوا را با جهاد مرتبط دانستیم آیه می تواند ارتباطی با انفاق در راه جهاد داشته باشد و با اصل جهاد هیچ ارتباطی ندارد.

**معنای و انفقوا فی سبیل الله**

برای فهم دقیق مراد از «و لا تلقوا بایدکم الی التهلکه» باید مراد از «انفقوا فی سبیل الله» بررسی شود زیرا «لا تلقوا بایدکم الی التهلکه» عطف به «انفقوا فی سبیل الله» و مترتب بر آن است.

 اگر «انفقوا فی سبیل الله» مکمل آیات قبل که درباره جهاد است باشد و این آیه به این معناست باشد که در راه جهاد از بذل مال کوتاهی نکنید و مفاد این آیه نزدیک به آیه «وجاهدوا باموالکم و انفسکم»[[3]](#footnote-3) باشد، ذیل آیه نیز می تواند به معنای جهاد باشد. مطابق این احتمال «لا تلقوا بایدیکم الی التهلکه» به این معنا است که یا با عدم انفاق در جهاد خود را هلاکت نیاندازید یا جهاد بدون مقدمات خود را در جنگ قرار ندهید بلکه برای جهاد مقدمات آن را مهیا کنید و نفس کشته شدن موضوعیت ندارد و در جایی که می دانید ورود در جنگ موجب شکست است، جهاد را آغاز نکنید.

 و اگر امر به انفاق به صورت کلی باشد و مجزای از آیات سابق باشد، کما اینکه آیه بعد دستور به حج می دهد و در آیات سابق نیز احکام صوم[[4]](#footnote-4) و حرمت رشوه[[5]](#footnote-5) بیان شده است، مطابق این احتمال، معنای آیه جدای از سابق است و به معنای خاص جهاد نیست و معنایی عام دارد.

**شأن نزول آیه**

احتمالات مطرح شده در مفاد آیه بدون در نظر گرفتن شأن نزول و روایات تفسیری است. در باره شأن نزول در کتب عامه نقل شده است: در قستنطنیه و در نبرد با رومی ها، برخی از مسلمین به صفوف رومیان هجوم بردند. در این زمان برخی گفتند: خود را به هلاکت نیاندازید و اشاره به این آیه شریفه کردند. ابو ایوب انصاری در پاسخ به منتقدین، بیان داشت: شما آیه را تأویل می کنید. آیه درباره ما انصار نازل شده است که ما اموال خویش را در راه خدا انفاق کردیم و بعد از آنکه اسلام قدرت یافت و نیرو و ثروت یافت، برخی از ما اظهار کردند، اموال ما نابود شده است و درخواست اصلاح اموال خود را داشتند و این آیه نازل شد و تلهکه به معنای به فکر اصلاح اموال بودن و ترک جهاد است.[[6]](#footnote-6)

ابو ایوب انصاری جزو اصحاب خوب پیامبر ص بوده و از سابقینی است که به امیر مؤمنین بازگشت و به ایشان اعتقاد داشت. البته او در زمان معاویه در فتوحات اسلامی او شرکت می کرد و اعتقاد داشت، جنگ با مشرکین زیر بیرق معاویه اشکالی ندارد هر چند معاویه را مستحق خلافت نمی دانست. او اعتقاد داشت که با جنگ با مشرکین، موجب تقویت اسلام و سست شدن پایه کفار

می شود. او در یکی از همین جنگ ها به شهادت رسید. فضل بن شاذان این عمل او را ناشی از قلت فقه او دانسته است.[[7]](#footnote-7)

**روایات مفسّر آیه**

در تفسیر تبیان[[8]](#footnote-8) دو روایت در تفسیر آیه وارد شده است و در نور الثقلین[[9]](#footnote-9) علاوه بر این دو روایت، چند روایت دیگر ذکر شده است.

**روایت حماد اللحام**

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِیَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ یُونُسَ بْنِ یَعْقُوبَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ وَاقِدٍ اللَّحَّامِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَنْفَقَ مَا فِی یَدَیْهِ فِی سَبِیلٍ مِنْ سَبِیلِ اللَّهِ مَا کَانَ أَحْسَنَ وَ لَا وُفِّقَ أَلَیْسَ یَقُولُ اللَّهُ تَعَالَی- وَ لا تُلْقُوا بِأَیْدِیکُمْ إِلَی التَّهْلُکَةِ وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْمُحْسِنِینَ‏ یَعْنِی‏ الْمُقْتَصِدِینَ‏.[[10]](#footnote-10)

این روایت در تفسیر عیاشی نیز وارد شده است.[[11]](#footnote-11)

مطابق این روایت، مراد از لا تلقوا بایدیکم الی التهلکه آن است که با انفاق زیاد خود را به هلاکت دچار نکنید و احسنوا نیز به این معناست که انفاق علی وجه الحسن و متعادل داشته باشید و اشاره به آیه « وَ لا تَجْعَلْ یَدَکَ مَغْلُولَةً إِلی‏ عُنُقِکَ وَ لا تَبْسُطْها کُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُوماً مَحْسُوراً»[[12]](#footnote-12) دارد. محسور در این آیه به معنای دست بسته یا حسرت کشیده است. پس آیه به این معناست که در انفاق زیاده روی نکنید و خود را با انفاق زیاد به هلاکت مبتلا نکیند و در انفاق میانه رو باشید.

**روایت حذیفه**

عَنْ حُذَیْفَةَ قَالَ وَ لا تُلْقُوا بِأَیْدِیکُمْ إِلَی التَّهْلُکَةِ قَالَ هَذَا فِی النَّفَقَةِ[[13]](#footnote-13)

معنای این روایت نیز مطابق روایت سابق است و به این معناست که با انفاق خود را به هلاکت نیاندازید. البته در برخی از نسخ و منبع اصلی روایت فی التقیه وارد شده است[[14]](#footnote-14) که مطابق این نسخه، مطابق روایت بعدی است. یعنی لازم نیست با تقیه نکردن خود را در هلاکت بیاندازید و تقیه کنید.

**روایت انس**

 حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ بَشَّارٍ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَیْهِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِیُّ بْنُ إِبْرَاهِیمَ بْنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَضْرَمِیُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ بَکْرٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُصْعَبٍ قَالَ حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ‏ سَلَمَةَ عَنْ ثَابِتٍ عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ طَاعَةُ السُّلْطَانِ‏ وَاجِبَةٌ وَ مَنْ تَرَکَ طَاعَةَ السُّلْطَانِ‏ فَقَدْ تَرَکَ طَاعَةَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ دَخَلَ فِی نَهْیِهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یَقُولُ‏ وَ لا تُلْقُوا بِأَیْدِیکُمْ إِلَی التَّهْلُکَة[[15]](#footnote-15)

در این روایت اطاعت سلطان ظالم واجب دانسته شده است و به جهت امر مهم تری به نام حفظ نفس از القای در هلاکت نهی شده است. پس شخص باید از سلطان ظالم، اطاعت کند و از او تقیه کند تا به هلاکت مبتلا نشود.

سند این روایت قابل اعتماد نیست و غالب رجال واقع در آن عامی هستند. روایت حذیفه نیز مرسل بود و حماد اللحام نیز توثیقی نداشت.

در جلسه آینده سایر روایات را مطرح کرده و درباره مراد از «احسنوا» سخن خواهیم گفت.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد

1. مباحث الأصول ؛ ج‏3 ؛ ص387

أقول: إنّ هذه الآية يوجد فيها احتمالان: الأوّل: كونها ناظرة إلى المخاطبين بالنظر الأفراديّ، و أن يكون المراد بالتهلكة أيضا- باعتبار ظهور الآية في وحدة اللحاظ في جانب الموضوع و المحمول- هو التهلكة بالنظر الأفراديّ، فكلّ شخص يحرم عليه إلقاء نفسه بما هو فرد من الأفراد في التهلكة.

و الثاني: كونها ناظرة إليهم بالنظر المجموعيّ، فتلحظ التهلكة أيضا باللحاظ المجموعيّ، و التعريض للهلاك باللحاظ المجموعيّ يختلف عنه باللحاظ الأفرادي، فالجهاد مثلا يكون بلحاظ الأفراد تعريضا للهلاك، و أيّ إلقاء في التهلكة أعظم من جعل الشخص نفسه في معرض الموت و القتل؟! لكنّه بلحاظ المجتمع قد يكون حياة، كما أنّ ترك الجهاد قد لا يكون موتا و هلاكا للأفراد بما هم أفراد، و يكون موتا و هلاكا للمجتمع بما هو مجتمع، إذ يتسلّط عليه أعداؤه و يهدم كيانه و رسالته و مبادئه. و لا يمكن دعوى الإطلاق في الآية بحيث يشمل كلا قسمي الهلاك، فإنّ كلّا منهما يستوجب لحاظا ينافي اللحاظ الآخر، و الإطلاق لا يستوجب الجمع بين اللحاظين، و إنّما يستوجب توسعة دائرة اللحاظ الواحد، فالأمر دائر بين هذين المعنيين. [↑](#footnote-ref-1)
2. مجمع البيان فى تفسير القرآن؛ ج‏2، ص: 516

«وَ لا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» قيل في معناه وجوه (أحدها) أنه أراد لا تهلكوا أنفسكم بأيديكم بترك الإنفاق في سبيل الله فيغلب عليكم العدو عن ابن عباس و جماعة من المفسرين (و ثانيها) أنه عنى به لا تركبوا المعاصي باليأس من المغفرة عن البراء بن عازب و عبيدة السلماني (و ثالثها) أن المراد لا تقتحموا الحرب من غير نكاية في العدو و لا قدرة على دفاعهم عن الثوري و اختاره البلخي (و رابعها) أن المراد و لا تسرفوا في الإنفاق الذي يأتي على النفس عن الجبائي‏ [↑](#footnote-ref-2)
3. التوبة : 41 انْفِرُوا خِفافاً وَ ثِقالاً وَ جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في‏ سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ [↑](#footnote-ref-3)
4. البقره: 187 أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلىَ‏ نِسَائكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَ أَنتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تخَْتَانُونَ أَنفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَ عَفَا عَنكُمْ فَالَْنَ بَاشِرُوهُنَّ وَ ابْتَغُواْ مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَ كلُُواْ وَ اشْرَبُواْ حَتىَ‏ يَتَبَينَ‏َ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الخَْيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّواْ الصِّيَامَ إِلىَ الَّيْلِ وَ لَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَ أَنتُمْ عَكِفُونَ فىِ الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا كَذَالِكَ يُبَينِ‏ُّ اللَّهُ ءَايَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ(187) [↑](#footnote-ref-4)
5. البقرة : 188 وَ لا تَأْكُلُوا أَمْوالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْباطِلِ وَ تُدْلُوا بِها إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَريقاً مِنْ أَمْوالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ [↑](#footnote-ref-5)
6. الدر المنثور فى تفسير المأثور؛ ج‏1، ص: 207

و أخرج عبد بن حميد و أبو داود و الترمذي و صححه و النسائي و أبو يعلى و ابن جرير و ابن المنذر و ابن أبى حاتم و ابن حبان و الحاكم و صححه و الطبراني و ابن مردويه و البيهقي في سننه عن أسلم أبى عمران قال‏ كنا بالقسطنطينية و على أهل مصر عقبة بن عامر و على أهل الشام فضالة بن عبيد فخرج صف عظيم من الروم فصففنا لهم فحمل رجل من المسلمين على صف الروم حتى دخل فيهم فصاح الناس و قالوا سبحان الله يلقى بيديه إلى التهلكة فقام أبو أيوب صاحب رسول الله صلى الله عليه و سلم فقال يا أيها الناس انكم تتأولون هذه الآية هذا التأويل و انما نزلت هذه الآية فينا معشر الأنصار انا لما أعز الله دينه و كثر ناصروه قال بعضنا لبعض سرا دون رسول الله صلى الله عليه و سلم ان أموالنا قد ضاعت و ان الله قد أعز الإسلام و كثر ناصروه فلو أقمنا في أموالنا فأصلحنا ما ضاع فيها فانزل الله على نبيه يرد علينا ما قلنا وَ أَنْفِقُوا فِي‏ سَبِيلِ اللَّهِ وَ لا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ فكانت التهلكة الإقامة في الأموال و إصلاحها و تركنا الغزو [↑](#footnote-ref-6)
7. رجال‏الكشي ص : 38 ، رفم 77 و سئل الفضل بن شاذان عن أبي أيوب خالد بن زيد الأنصاري و قتاله مع معاوية المشركين؟ فقال كان ذلك منه قلة فقه و غفلة ظن أنه أنما يعمل عملا لنفسه يقوى به الإسلام و يوهي به الشرك و ليس عليه من معاوية شي‏ء كان معه أو لم يكن [↑](#footnote-ref-7)
8. التبيان فى تفسير القرآن، ج‏2، ص: 153 [↑](#footnote-ref-8)
9. تفسير نور الثقلين، ج‏1، ص: 179 [↑](#footnote-ref-9)
10. الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج‏4 ؛ ص53 [↑](#footnote-ref-10)
11. تفسير العياشي ؛ ج‏1 ؛ ص87 [↑](#footnote-ref-11)
12. الإسراء : 29 [↑](#footnote-ref-12)
13. البرهان في تفسير القرآن، ج‏1، ص: 412 [↑](#footnote-ref-13)
14. تفسير العياشي، ج‏1، ص: 87 [↑](#footnote-ref-14)
15. الأمالي( للصدوق) ؛ النص ؛ ص337 [↑](#footnote-ref-15)